

ماد

وحدت اقوام مختلف ساکن فلات ایران با مشترکات و پیوندهای فرهنگی را باید به عنوان مهم‌ترین رویداد در تاریخ ایران به شمار آورد.

مجموعه لشکرکشی‌های آشور به سرزمین ماد در قرن هشتم پ. م؛ و خطر حمله از غرب به وسیله دولت زورمند آشور، نیاز تشکیل یک دولت متمرکز را برای مادها که جدیدترین مهاجران به زاگرس بودند بوجود آورد.

هرودوت می‌نویسد:

آشوری‌ها در آسیا پانصد سال حکومت کردند، اول مردمی که سر از اطاعت آن‌ها پیچیدند، مادها بودند. اینان برای آزادی جنگیدند، رشادت‌ها کردند و از قید بندگی رستند.

۱ سالشمار

• در سال ۸۱۰ پیش از میلاد آداد-نراری سوم به ماد لشکر کشید و صفحات غربی فلات ایران را تصرف کرد.^[22]

• در سال ۶۳۳ پیش از میلاد سکاهای به ماد حمله کردند. ۹ سال بعد در سال ۶۲۴ پیش از میلاد مادها، سکاهای را شکست داده و عقب می‌رانند.^[23]

• در سال ۶۱۲ پیش از میلاد ماد و بابل متحد شدند و هووخستره به نینوا مرکز آشور حمله کرد و پادشاهی آشور را برانداخت.^[24]

• در سال ۵۵۰ پیش از میلاد ایشتویگو شاه ماد از کوروش شکست می‌خورد و پیرو آن هگمتانه به تسخیر کوروش در می‌آید.^[25]

• در سال ۱۵۵ پیش از میلاد مهرداد یکم سرزمین ماد را تسخیر می‌کند.^[26]

۲ منبع‌شناسی تاریخ ماد

نوشتار اصلی: منبع‌شناسی تاریخ ماد و هخامنشی

نخستین اشاره به قوم ماد در کتیبه‌ایست که گزارش حمله شلمانسر سوم^[27] به سرزمین موسوم به پارسوا، در کوه‌های کردستان، (سال ۸۳۷ ق م) بر آن ثبت شده است. مادها از نژاد هند و اروپایی به شمار می‌روند و محتمل است که در تاریخ هزار سال قبل از میلاد از کناره‌های دریای خزر به آسیای باختری آمده باشند.

اکنون با کاوش در مناطق غرب ایران از مادها آثاری در تپه هگمتانه در دست است. تپه هگمتانه تپه‌ای تاریخی با پیشینه‌ای متعلق به دوران ماد است.^[28] روایات مورخین یونانی نیز حاکی از آن است که این شهر در دوره مادها (از اواخر قرن هشتم تا نیمه اول قرن ششم قبل از میلاد)، مدت‌ها مرکز شاهنشاهی مادها بوده‌است و پس از انقراض آن‌ها نیز به عنوان یکی از پایتخت‌های هخامنشی (پایتخت تابستانی) به شمار می‌رفته‌است. گفته‌های هرودوت مورخ یونانی، در قرن پنجم قبل از میلاد، مهم‌ترین مأخذ تاریخی در این مورد است. در حقیقت برای نوشتن تاریخ سلسله ماد اولین بار در نیمه دوم قرن پنجم قبل از میلاد هرودوت مورخ یونانی کوشش کرده‌است.

ماد نام یکی از اقوام ایرانی تبار^[1] که در سده ۱۷ پیش از میلاد در سرزمینی که بعدها به نام ماد شناخته‌شد، نشیمن گزید.^[2]

بسیاری از مورخان باستان، به صراحت، مادها را «آریایی» خوانده‌اند.^{[3][4][5]} واژگان بازمانده از گویش مادی[مانند: Farnah (= فر)؛ Paradayda (= پردیس)؛ Vazraka (= بزرگ)؛ Vispa (= همه)؛ Spaka (= سگ)؛ Mitra (= مهر)؛ Xshayathia (= شاه)؛^{[6][7][8]} در زبان پارسی باستان، و نیز تصریح «استرابون» به «آریایی» بودن زبان مادها و پیوند و همسانی آن با زبان‌های پارس و بلخ و سغد و سکاهای^{[9][10]} و نیز کلام داریوش بزرگ - که زبان مادها و پارس‌ها را در یک گروه قرار می‌دهد،^[11] نشانه از «آریایی» بودن زبان مادهاست.

در اواخر سده هشتم پیش از میلاد مادها در ایران غربی گرد هم جمع شده، نیرو گرفتند و با آشوریان که به آنها یورش برده بودند، جنگیدند و طی جنگ‌هایی که حدود یکصد سال به طول انجامید آنان را شکست دادند و دولتی بنیان نهادند که ۱۲۰ سال فرمانروایی نمود و نهایتاً از کوروش بزرگ شکست خورد.^[12]

بناهای مذهبی (معابد) یافته شده در سکونت‌گاه‌های مادها^[13] و نیز نام‌های خاص مادی که با اسامی دینی آریایی ترکیب شده‌اند (مانند: Mazdakku، Bagparna، Auraparnu، Artasiraru، Bagdatti، Bagmashda) به آشکارا تعلق مذهبی قوم ماد را به اندیشه‌ها و آیین‌های دینی هندوایرانی (آریایی) و شاید زرتشتی، نشان می‌دهد.^[14]

نام شاهان و سرداران ماد که در متون آشوری و یونانی و پارسی باستان ذکر گردیده‌اند (مانند: فُرورتی، اَوُخْشَتر، اَرشْشِی وِیِیگ، شیدیرِیَرَن، تَخْم سِپاد و...) همگی به آشکارا «آریایی» هستند.^{[15][16]}

برخی مدعی هستند بر پایه نظریه «حضور دیرین مردم آریایی در خاور نزدیک و میانه» که توسط جمعی از تاریخدانان به ویژه جهان‌شاه درخشانی ارائه شده‌است، واژه «مَدَه» در نوشتارهای میانرودان به نادرست به معنای عام سرزمین ترجمه شده‌است که با برخی از اسناد باستانی سازگار نمی‌باشد. بر پایه این نظریه دست کم از هزاره سوم پیش از میلاد مادها در بخش‌های غربی ایران حضور داشته‌اند.^[17]

بر پایه برخی منابع مادها میان قرون ۹ تا ۷ پیش از میلاد حکومتی یکپارچه برای سرزمین‌های مادی تشکیل دادند و در این رابطه برخی معتقدند که به نظر می‌رسد آن چه در باره نهادهای تمدنی و حکومتی مادها در متون تاریخی (هرودوت و پس از وی) روایت شده‌است، تصویری متعلق به هخامنشیان و پارس‌ها باشد که سپس به تن و قامت مادهایی که روزگارشان گذشته بود، پوشانده و بازسازی شده‌است.^[18] آن چه از متون آشوری - که اسنادی معاصر با دوران مادها هستند - برمی‌آید، آن است که مادها از سده نهم تا هفتم پ. م. نتوانسته بودند چنان پیش‌رفتی بیابند که سبب هم‌گرایی و اتحاد و سازمان‌یافتگی قبایل و طوایف پراکنده ماد بر محور یک رهبر و فرمانروای برتر و واحد - که بتوان وی را پادشاه کل سرزمین‌های مادنشین نامید؛ آن گونه که هرودوت، دیاکو را چنین می‌نماید، شده باشد.^[19] پادشاهان آشور در ضمن لشکرکشی‌های پرشمار خود به قلمرو سکونت مادها، همواره با شمار فراوانی از «شاهان محلی» (حاکمان مستقل شهرهای مختلف) روبه‌رو بوده‌اند و نه یک پادشاه واحد حاکم بر کل سرزمین‌های مادنشین.^{[20][21]}

شاهنشاهی ماد در زمان هووخستره به بزرگ‌ترین پادشاهی غرب آسیا حکومت می‌کرد و سراسر ایران را آن چنان که در نقشه سرزمین ماد هویدا است برای نخستین بار در تاریخ به زیر یک پرچم آورد. هوخستره بنیانگذار اولین قدرت ایرانی بود. پایه‌گذاری دولت ماد به عنوان نخستین دولت بر پایه

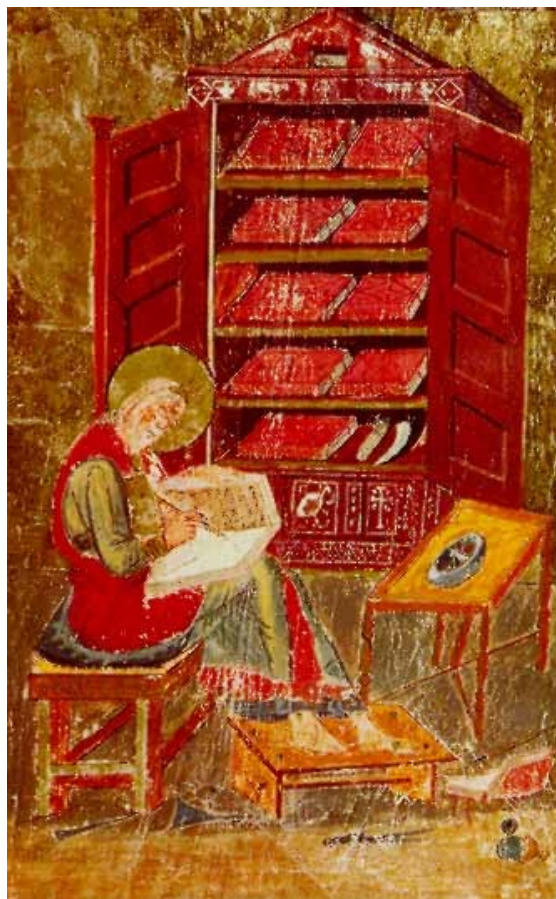


گستره پادشاهی ماد در سال ۶۰۰ پیش از میلاد.

سرانجام در سده هفتم پیش از میلاد، سرتاسر غرب ایران و برخی از مناطق نزدیک آن به مادها تعلق یافت. بنابراین، مرزهای ماد در طول چند صد سال، به تدریج و رفته رفته تغییر کرد؛ با این حال، گستره جغرافیایی دقیق ماد برای ما ناشناخته باقی مانده است.^[30]

در دوره نخستین، مرزهای غربی شاهک‌نشین‌های ماد که از یکدیگر مستقل بودند، از مرزهای غربی دشت همدان فراتر نمی‌رفتند. اطلاعات ما درباره حدود شمالی و شرقی ماد بسیار اندک است. با این حال، سرزمین اصلی ماد، آن‌گونه که آشوری‌ها از اواخر سده نهم پیش از میلاد تا آغاز سده هفتم پیش از میلاد آن را می‌شناختند، از سوی شمال به گیزیل بوندا محدود می‌شد که گیزیل بوندا در کوه‌های قافلان‌کوه در شمال دشت همدان قرار داشت؛ از سوی غرب و شمال غرب نیز محدوده آن از دشت همدان فراتر نمی‌رفت و به کوه‌های زاگرس محدود می‌شد، به جز در جنوب غربی که مادها تا دره‌های زاگرس را در اختیار داشتند که این مرز در دامنه کوه‌های گرین واقع شده بود و ماد را از الیپی، پادشاهی‌ای در نواحی پیشه‌کوه به سمت جنوب کرمانشاه، جدا می‌کرد. از سوی جنوب نیز مرز ماد به منطقه ایلامی سیماشکی محدود می‌شد که امروزه با دره خرم‌آباد تطبیق داده می‌شود.^[31]

به نظر می‌رسد که قلمروی ماد از سوی شرق و جنوب شرقی به دشت کویر و سرزمین پتوشرا (Patušarra) محدود بود؛ سرزمین پتوشرا چنانکه توسط شاهان آشوری توصیف شده است، در حاشیه کویر نمک (احتمالاً دشت کویر) واقع شده بود. رشته کوه نزدیک پتوشرا را آشوریان «بیکنی» می‌نامیدند و از آن با عنوان «رشته کوه لاجورد» یاد می‌کردند. پژوهشگران معمولاً آن را با کوه دماوند که در شمال شرق تهران قرار دارد، برابر می‌دانند. پتوشرا ظاهراً همان منطقه‌ای است که در فارسی میانه به صورت پدشخوار ذکر شده است، جایی که در سده‌های میانی استخراج لاجورد از آن گواهی شده است. لاجورد که به عنوان خراج به آشوریان پرداخت می‌شد، «به واسطه تجارت با مادی‌های مناطق شرقی به دست می‌آمد». پتوشرا و کوه بیکنی، احتمالاً دوردست‌ترین قلمرو حکومت مادها بود که آشوری‌ها در طول بزرگ‌ترین توسعه خویش در نیمه دوم سده هفتم پیش از میلاد و دهه نخست سده هفتم پیش از میلاد، به آن نفوذ کرده بودند. با این حال، لویی‌س لوند استدلال می‌کند که کوه بیکنی به احتمال زیاد می‌بایست با رشته‌کوه الوند تطبیق داده شود که در غرب همدان قرار دارد؛ این تطبیق توسط استوارت کلیفورد براون و تعدادی دیگر از پژوهشگران مورد قبول واقع شده است. اگر تطبیق بیکنی با رشته‌کوه الوند درست باشد، به این معناست که آشوری‌ها هرگز از این کوه‌ها عبور نکردند و همه سرزمین‌های مادی که تسخیر کردند یا برایشان شناخته شده بود، در غرب همدان قرار داشت.^[32]



تصویری نقاشی شده از عزرا

در کتیبه‌های تیگلت‌پیلسر سوم که در قرن هشتم پیش از میلاد نوشته شده‌است و سناخریب و اسرحدون و شلمانسر سوم نیز به ناحیه ماد اشاره کرده‌اند.

متون عهد عتیق کتاب مقدس نیز تا حدودی برای بازسازی تاریخ ماد مورد استفاده قرار می‌گیرند. این متون در دوره‌های تاریخی گوناگونی نوشته شده‌اند و به جز برخی از قسمت‌های کتاب‌های عزرا و دانیال که به زبان آرامی نوشته شده‌اند، همه این متون به زبان عبری نگاشته شده‌اند. کتاب‌های پیامبران ناحوم و حبقوق که تقریباً هم‌زمان بوده‌اند و در سده هفتم پیش از میلاد می‌زیستند، سقوط فوری دولت آشور را شرح می‌دهند. ناحوم سقوط مصیبت‌بار نینوا را که در سال ۶۱۲ پیش از میلاد توسط مادها و بابلی‌ها تسخیر شد را گزارش کرده و حبقوق درباره تسخیر آشور در سال ۶۱۴ پیش از میلاد توسط مادها سخن می‌گوید. احتمالاً پیش‌گویی‌های هر دو کتاب به زمانی که دولت آشور هنوز پابرجا بوده تعلق دارند ولی در دوره‌ای بوده‌اند که سرانجام مصیبت‌بار دولت آشور، آشکار به نظر می‌رسید.^[29]

۳ سرزمین ماد

نوشتار اصلی: سرزمین ماد

در پایان هزاره دوم پیش از میلاد، قبیله‌های مادی، استقرار در قلمروی غرب ایران که بعدها ماد نامیده شد را آغاز کردند؛ جایی که در آن زمان نشیمن‌گاه شاهک‌نشین‌های فراوان و گروه‌های قومی و زبانی گوناگونی مانند گوتی‌ها، لولوبی‌ها، کاسی‌ها و هوری‌ها بود. بعدها، در سده‌های نهم و هشتم پیش از میلاد، قدرت مادها تا حدی زیادی افزایش یافت و نقش آن‌ها برجسته شد و

۱.۳ هگمتانه

نوشتار اصلی: هگمتانه

هگمتانه، پایتخت پادشاهی ماد، پایتخت تابستانی هخامنشیان و ساتراپ‌نشین ایالت ماد از دوران هخامنشیان تا ساسانیان بود.^[34]

دانشنامه ایرانیکا بنیانگذاری ماد را سال ۷۰۸ پیش از میلاد به مرکزیت هگمتانه و توسط دیاکو ذکر می‌کند.^[35]

نام این شهر در سنگ‌نوشته داریوش یکم در بیستون در زبان فارسی باستان

مرکز زاگرس، آشوریان هیچ‌گونه گزارش روشنی از هگمتانه ارائه نداده‌اند و ممکن است که آن‌ها هرگز در شرق الوند پیش‌روی نکرده باشند. سنت‌های قدیمی دیگری، منشأ شهر هگمتانه را به سمیرامیس افسانه‌ای یا به جمشید نسبت می‌دهند.^[39]

۲.۳ طوایف ماد

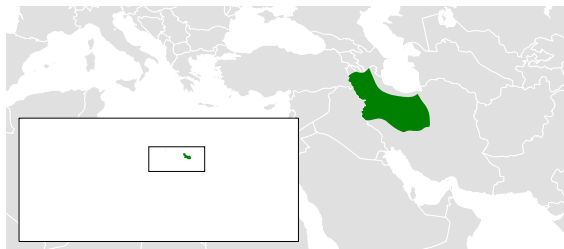
مطابق منابع کهن آشوری و یونانی و ایرانی در مجموع معلوم می‌گردد که سه طایفه از شش طایفه تشکیل دهنده اتحاد مادها یعنی بوسیان، ستروختیان و بودیان بوده و سه طایفه مادی دیگر عبارت بوده‌اند از، آریزانتیان و مغها و سرانجام پارتاکانیان.^[40] مطابق منابع یونانی، در سرزمین کمندانان ساگارتی (زاگروتی، ساگرتی) مادی‌های ساگارتی میزیسته‌اند که شکل بابلی - یونانی شده نام خود یعنی زاگروس (زاگروتی، ساگرتی) را به کوهستان غرب فلات ایران داده‌اند. نام همین طوایف است که در اتحاد طوایف پارس نیز موجود است و خط پیوند خونی طوایف ماد و پارس منجمله از منشأ همین طایفه ساگارتی‌ها (زاگروتی، ساگرتی) است، طوایف پارس قبل از حرکت به سوی جنوب دورانی طولانی را در مناطق مادها بوده و بعدها رو به جنوب رفته‌اند.^{[41][42][43][44][45]}

۴ شاهان ماد

نوشتار اصلی: شاهان ماد

به گفته هروdot، سلسله مادها شامل چهار شاه بود که به یک خانواده تعلق داشتند و به مدت ۱۵۰ سال فرمانرایی کردند. از این رو این دودمان توسط شاه پارس، کوروش بزرگ در سال ۵۵۰ پیش از میلاد سرنگون شد.^[46]

۱.۴ دیاکو



گستره ماد در دوران دیاکو (۶۷۵ پیش از میلاد).

نوشتار اصلی: دیاکو

دیاکو یا **دیاکو** بنیان‌گذار حکومت ماد بود. نام وی در منابع گوناگون، به صورت‌های مختلفی ذکر شده‌است؛ هروdot نام وی را به صورت «دیوکس» نوشته، در متون آشوری *Da-a-a-uk-ku* و در عیلامی به صورت *Da-uk-ka (ú)-(hi)-a* و *Da-a-ya-u(k)-ka* ضبط شده‌است. نام دیاکو برگرفته از واژه ایرانی *Dahyu-ka* است و اسم مصغر واژه *dahyu* به معنی سرزمین است.^[47]

هروdot می‌گوید که دیاکو مدت ۵۳ سال حکومت کرده و بر این اساس دربارهٔ دوران حکومت وی گمانه‌زنی‌هایی شده‌است اما به نظر می‌رسد که گزارش هروdot بر مبنای روایتی شفاهی باشد. پژوهشگران از روی گزارش هروdot به این نتیجه رسیده‌اند که دیاکو مؤسس خاندان سلطنتی ماد و همچنین نخستین پادشاه ماد بوده که از آشوریان استقلال کسب کرده‌است. اما باید بر این نکته تأکید شود که گزارش هروdot آمیزه‌ای از افسانه‌های



آتش کده نو شیجان ملایر تنها اثر مانده از دوران ماد ها در هگمتانه^[33]

«هگمتان»^[36] در ایلامی «آگ-م-د-ن» و در زبان اکدی «آگ-م-ت-ن» ثبت شده است. معمولاً چنین تفسیری می‌شود که این واژه از «هگمت» به معنای «محل گردآمدن» مشتق شده است و نتیجه گرفته می‌شود که پیش از شکل‌گیری دولت ماد، نوعی گردهم‌آیی مردمی در اینجا انجام می‌شد. هروdot به یک گردهم‌آیی مادها که در آن دیاکو به شاهی برگزیده شد، اشاره می‌کند ولی محل آن را مشخص نمی‌کند. واژه ایلامی «هل. مت. ن» به معنای «سرزمین مادها» احتمالاً نباید درست باشد چرا که شهر پایتخت مادها نمی‌توانست نامی ایلامی داشته باشد یا «سرزمین» نامیده شود. جرج کرزن، پیشنهاد کرده است که با توجه به اینکه در آن‌جا هفت شهر، هگمتانه نامیده می‌شوند و چهارتای آن‌ها در پارس قرار دارند، این نام در واقع برای پایتخت یا شهر شاهی تعیین شده بود. در منابع باستانی و دیگر منابع، برای هگمتانه نام‌های مختلفی ذکر شده است: در زبان یونانی «اکباتانا، اکباتانا»، در زبان لاتین «اکباتانا، اکباتانا، اکباتانیس پارتیوروم» در زبان آرامی «أحمّت»، در زبان ارمنی «أحمّت، همتن، اکبتن» و در زبان فارسی میانه «همدان».^[37]



بازمانده‌های امروزی هگمتانه بر تپه هگمتانه.

بنا بر هر دو زمینه تاریخی و باستان‌شناسی، تطبیق هگمتانه با همدان، قطعی است. با این حال، کمبود آثار باقی‌مانده قابل مشاهده از دوران پیش از اسلام در این منطقه، باعث شده که برخی از نخستین بازدیدکنندگان اروپایی، مکان‌های جایگزینی همچون شوش، کنگاور و تخت سلیمان را برای هگمتانه پیشنهاد دهند.^[38]

با توجه به موقعیت و منابع استراتژیک هگمتانه، این محوطه احتمالاً پیش از هزاره یکم پیش از میلاد اشغال شده بود، هرچند که شواهد تاریخی و باستان‌شناختی در این مورد وجود ندارد. بنا به گفته هروdot، هگمتانه در اواخر سده هشتم پیش از میلاد به عنوان پایتخت مادها توسط دیاکو برگزیده شد. هروdot مجتمع شاهانه شامل قصر، خزانه‌داری و اقامت‌گاه نظامی که بر روی تپه‌ای ساخته شده بودند را توصیف می‌کند و می‌گوید که این مجتمع توسط هفت دیوار متحدالمرکز که هر دیوار داخلی از دیوار بیرونی بلندتر بود و بر آن اشراف داشت، ساخته شد. علی‌رغم دو سده درگیری در مناطق مادی

تبدیل کرد.^[63]

وی که به همراه دیاکو و خانواده‌اش به آشور تبعید شده بود، به احتمال قوی در خاک آشور تربیت شد. بعدها وی خداوند ده ایالت بیت کاری در ناحیه همدان کنونی، به مرکزیت کار-کشی شد. گمان می‌رود آشوریان خود از روی عمد وی را به این مقام منصوب کرده باشند تا اولاً وی را از جایی که نفوذ و ریشه محلی داشته‌است دور کرده باشند، ثانیاً بر این باور بودند که فرورتیش که دست‌پرورده و دست‌نشانده خودشان است □ مانند سایر پیشوایان، شاهکان و شاهان دست‌نشانده □ در ادامه سیاست‌هایی را دنبال خواهد کرد که به نفع آشوریان باشد.^[64]

فرورتیش با آنکه سرنوشت اسارت پدرش دیاکو را دیده بود، همان راه پدرش را دنبال کرد و به آشور اعلان جنگ داد. برای این کار ابتدا پارس‌ها را تحت انقیاد خود درآورد و سپس با جلب یاری خداوندان پیشین‌ده دو ایالت مجاور خود قیامی را علیه آشور ترتیب داد. قیام به سرعت گسترش یافت و آشوریان قست اعظم سرزمین ماد را که در تصرف خود داشتند، از دست دادند. با مذاکرات آشور با سکاه □ که متحد مادها در این قیام بودند □ و خروج آن‌ها از اتحاد با مادها به نفع آشوریان، جریان قیام ناتمام ماند.^[65]

از آن تاریخ به بعد فرورتیش توانست مهم‌ترین نواحی ماد را از زیر یوغ آشور نجات دهد و در سه ایالت بیت کاری، مادای و ساپاردا دولت واحدی تأسیس کند و پادشاهی مستقل ماد را برپا کند.^[66]

در جریان یک کشمکش داخلی در آشور، فرورتیش فرصت را برای حمله دوباره به آشور مناسب دید و بدین ترتیب در سال ۶۵۳ پیش از میلاد مجدداً به آشور یورش برد ولی کشته شد.^[67] بدین ترتیب ۲۲ سال حکومت وی بر مادها پایان یافت. برخی از مورخین معتقدند علی‌رغم شکست فرورتیش از آشوریان، این جنگ زمینه‌ساز نبردی شد که پسرش هووخشره آن را تا سقوط دولت آشور در پیش گرفت.^[68] پس از فرورتیش، هووخشره جانشین او شد و مدت ۴۰ سال حکومت کرد.^[69]

۳.۴ هووخشره

آرامگاه هووخشره
نوشتار اصلی: هووخشره



مقبره‌ای صخره‌ای قزاقان از نمایی دور

یونانی و شرقی است و از نظر تاریخی قابل اطمینان نیست. همچنین فرض بر این است که پادشاه مادی که گزارش‌های هرودوت حول و حوش او می‌چرخد، همان دیاکو پسر فرورتیش باشد، در نتیجه ممکن نیست که تاریخ دقیق دوره حکمرانی او را مشخص کرد اما می‌توان گفت که احتمالاً اکثر نیمه اول سده هفتم پیش از میلاد را در برمی‌گرفته‌است.^[48] ایگور دیاکونوف می‌گوید: «وضع دوران حکومت دیاکو در نوشته‌های هرودوت با تصویری که منابع آشوری از آن زمان (۶۷۵-۷۴۵ پیش از میلاد) رسم می‌کنند چندان مغایرت دارد که برخی از مورخان گواهی هرودوت را رد کرده‌اند».^[49]

بر پایه نوشته‌های هرودوت، دیاکو پدر فرورتیش بود که طرح و نقشه ایجاد یک حکومت واحد ماد را در ذهن داشت؛ مادها در دهکده‌های خودمختار جداگانه و یا در شهرهای کوچک زندگی می‌کردند.^[50] دیاکو در یک دوره بی‌قانونی در ماد، تلاش کرد تا عدالت را در دهکده خود اجرا کند و اعتبار و حسن شهرتی را به عنوان یک قاضی بی‌طرف بدست آورد به این ترتیب حوزه فعالیت او گسترش یافت و مردم روستاهای دیگر نیز به وی مراجعه می‌کردند تا اینکه سرانجام او اعلام کرد درخواست‌های مردم زیاد است و این جایگاه برای وی دردسرساز و دشوار است و حاضر به ادامه کار نیست. در پی این کناره‌گیری، دزدی و اغتشاش فرونی یافت و مادها گرد هم آمدند و وی را برای حل و فصل اختلافات به‌عنوان پادشاه برگزیدند.^[51] منابع آشوری نیز برای نخستین بار، در سال ۶۷۳ پیش از میلاد از پادشاهی مستقل ماد یاد می‌کنند.^[52]

پس از به‌پادشاهی رسیدن، اولین اقدام دیاکو گماشتن نگهبانانی برای خود و نیز ساخت پایتخت بود. شهری که دیاکو برای این منظور برگزید در زبان فارسی باستان هگمتانه و به زبان یونانی «اکباتان»^[53] خوانده می‌شد که همدان امروزی دانسته می‌شود. هگمتانه به معنی «محل اجتماع» یا «شهری برای همه»^[54] است و اشاره‌ای است به گرد هم آمدن طوایف مادی که سابقاً متفرق بودند. او در اواخر قرن هشتم پیش از میلاد، دستور داد تا یک دژ مستحکم بر روی تپه‌ای در این شهر ایجاد شود تا همه امورات نظامی، دولتی و خزانه‌داری در آن انجام گیرد. هرودوت توضیح می‌دهد که این مجتمع پادشاهی، توسط هفت دیوار متحدالمرکز که هر دیوار داخلی از دیوار بیرونی بلندتر بود و بر آن اشراف داشت، ساخته شد. این هفت دیوار، هرکدام به رنگ خاصی تزیین شده بود، دیوار اول (بیرونی) سفید، دومین دیوار به رنگ سیاه، سومی به رنگ سرخ تند، چهارمین آبی، پنجمی سرخ باز، ششمین دیوار به رنگ مسی و هفتمین و درونی‌ترین دیوار نیز طلایی‌رنگ بود. این نوع رنگ‌آمیزی در بابل، نشانه سیارات هفتگانه بودند ولی در هگمتانه، تقلیدی از بابل بود.^[55] قصر پادشاه به همراه گنجینه‌هایش هم در درون آخرین دیوار جای داشت.^[56]^[57]

سارگون دوم شاه آشور در سال ۷۱۵ پیش از میلاد، متوجه شد که دیاکو با روسای اول، شاه اورارتو متحد شده‌است. او دیاکو را زیر نظر گرفت و در طی جنگ خود با منائیان □ که از خویشاوندان نژاد مادی بودند و در آذربایجان و جنوب دریاچه ارومیه سکونت می‌کردند □ بار دیگر وارد ماد شد تا چنانکه مدعی بود، به «هرج‌ومرج» آن‌جا پایان دهد. وی در آن‌جا توانست دیاکو را اسیر کند ولی برخلاف عادت همیشگی آشوریان جانش را به او بخشید و در نیشه‌ای تشریفاتی در کاخ خود در خُرس آباد اعلام می‌کند: «دیاکو را به‌همراه قبیله‌اش به حمت تبعید کردم».^[58]^[59]^[60]

برخی از ایران‌شناسان، دیاکو را با ویژگی‌هایی که هرودوت برای او برمی‌شمارد با هوشنگ شاهنامه یکی می‌گیرند و لقب پَرَدَات یا پیشدادی را با نخستین قانون‌گذار یکی می‌دانند. سنت دینی، هوشنگ را نخستین کسی می‌داند که پادشاهی را در ایران برقرار کرد.^[61]

۲.۴ فرورتیش

نوشتار اصلی: فرورتیش

فَرَوَرْتِش (فارسی باستان: فَرَوَرْتی، اوستایی: فَرَوَشی، یونانی: فرآرتِس، بابلی: پَرومَرْتِش، عیلامی: پیرومَرْتِش)^[62] دومین شاه ماد بود. به گفته هرودوت فرورتیش پسر دیاکو بود و قبایل مادی را متحد و به یک کشور

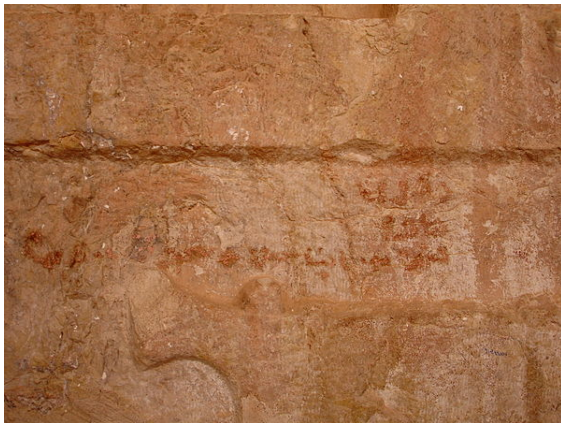
هوخشره (پارسی باستان: *Uvaxšatara*^h، اکدی: *U-ak-sa-tar*^m و *Uk-sa-tar*^m، عیلامی: *U-ak-sa-tar*^m و *U-ma-ku-*^m *is-tar*، فریگی باستان: *Ksuwaksaros*، یونانی: *Kyaxāres*)^[71] سومین و تواناترین شاه ماد و نخستین پادشاه در دوران باستان است که یک سلطنت سراسری را در ایران تشکیل داد و ایران را به عنوان یک قدرت مهم جهان آن زمان مطرح کرد. او را می‌توان بنیانگذار واقعی دولت ماد و معمار حقیقی امپراتوری ایرانیان باستان دانست.



صفحه‌ای مدور که ستاره‌ای بر روی آن منقوش است

نقش برجسته سردر مقبره‌ای صخره‌ای قزقایان. فرد سمت راست احتمالاً هووخشتره است.^[70]

صفحه‌ای مدور با هیكل آدم که هلالی زیر آن قرار دارد



صفحه‌ای مدور با هیكلی دارای چهار بال

می‌بایست نیروی نظامی مجهزی تشکیل دهد؛ زیرا سربازان طوایفی که به همراه سرکردگان خود در هنگام جنگ به اردو می‌پیوستند، هرگز از عهده یک سپاه منظم بر نمی‌آیند. به همین خاطر ابتدا ارتش ماد را تجدید سازمان و نوسازی کرد و به جای تقسیمات سابق عشیرتی، آن‌ها بر حسب نوع سلاح تقسیم‌بندی کرد و این خود استعداد جنگی آن‌ها را بسیار بالا برد. وی در این راه باقی‌مانده سکاها را هم به خدمت گرفت.^[73]

در زمان حکومت هووخشتره ماد قبایل آریازنتا و پارتاکانیان را در نواحی ری و اصفهان و دیگر قبایل ایرانی شرقی را تا ناحیه گرگان به اطاعت کشاند و دولت نیرومند سراسری مادها در ایران را تشکیل داد هووخشتره سپس به پارس حمله کرد و قبایل پارس را به اطاعت در آورد.^{[74][75][76]}

مرگ فرورتیش پدر هووخشتره و شکست مادی‌ها، منجر به استقرار فرمانروایی سکاها در ماد شد تا این‌که سرانجام هووخشتره توانست به ۲۸ سال فرمانروایی آن‌ها پایان دهد. وی مادیا پادشاه سکاها را به همراه سرکردگانش به مهمانی خواند، همه را مست کرد و به قتل رسانید و بدین ترتیب غایله سکاها را پایان داد. چون از جهت سکاها، آسودگی خاطر وی فراهم شد، تصمیم به نابودی امپراتوری آشور گرفت.^[72]

هوخشتره، شکست پدرش فرورتیش را در برابر آشوری‌ها دیده بود و از آن درس عبرتی آموخته بود. او فهمید که برای مقابله در برابر آشوریان،

یونانی، وضوحاً تصحیف از ریشهٔ پارسی آن است. این نام در زبان ایلامی، چند بار در لوحه‌های باروی تخت جمشید به‌صورت Iš-ti-/Ir-iš-ti-man-ka نوشته شده است که وابسته بودن آن‌ها به نام آستیگ، مورد مناقشه است. ایشتوویگو در کتب تاریخی به **آستیگ** معروف است.^[83] او شوهر خواهر کرزوس بود. از ۳۵ سال حکومت ایشتوویگو اطلاعات زیادی در دست نیست. از اقدام‌های ایشتوویگو، لشکرکشی به قفقاز و جنگ با لیدی بود که در نهایت موجب پیمان صلح او با پادشاه لیدی و ازدواج او با آرنیس، خواهر کرزوس شد. منابع بابلی می‌گویند که ایشتوویگو به کوروش حمله کرد، ولی سپاهش بر او شورید و او را دستگیر کرده، به کوروش تحویل داد. بدین ترتیب حکومت ۱۲۸ ساله شاهنشاهی ماد پایان یافت و امپراتوری هخامنشی بنیان گذاشته شد. کوروش مادها را مغلوب کرد، اما به آن لباس پارسی پوشاند. به‌طوری که خیلی از مقامات مادی، در حکومت هخامنشیان دارای جایگاه والایی بودند و ایالت ماد دومین ایالت هخامنشی پس از پارس بود. روایات مختلفی در مورد تبار کوروش و چگونگی جنگ او با ایشتوویگو توسط یونانی‌ها گفته شده که تماماً رنگ و بوی فولکلور می‌دهند. از نظر دانشمندان امروزی، هیچ رابطهٔ خویشاوندی بین کوروش و ایشتوویگو وجود ندارد.^[84]

رویدادنامه نبونعید از رویدادهای آغازین به تخت نشستن نبونعید در ۵۵۶ پ. م. شروع می‌شود و اندک زمانی پس از فتح بابل توسط پارسیان در ۵۳۹ پ. م. به پایان می‌رسد. حداقل بخشی از این رویدادنامه در دوران کوروش نگاشته شده است، چرا که لحن نسبت به نبونعید پرخاشگرانه می‌شود. این متن همچنین از جنگی میان ایشتوویگو، شاه ماد، و کوروش و تسخیر هگمتانه، پایتخت ماد توسط ارتش پارسیان در ششمین سال تاج‌گذاری نبونعید، یعنی ۵۵۰ پ. م. سخن به زبان می‌آورد (خط‌های ۴-۱).^[85] نویسندهٔ سالنامه به جنگی در چند صد کیلومتری جنوب شرقی بابل اشاره می‌کند و می‌نویسد: «شاه اشتومه گو، لشکر خود را برای جنگ با کوروش، شاه انشان، فرستاد ولی لشکر بر او شورید، او را به زنجیر کشیده و تحویل کورش دادند».

با سقوط هگمتانه، استقلال ماد به پایان رسید و پس از آن، توسط پارسی‌ها رهبری و اداره شد.

۵ جنگ‌های آشور و ماد

مجموعه لشکرکشی‌های آشور به سرزمین ماد در قرن هشتم پ. م. نتوانست قدرت مادها را در هم بشکند و بیشتر حملات غارتگرانه بودند. دولت ماننا اتحادیه طوایف ماننایی منطقه و خود، از گذشته جزئی از سازمان‌های حکومتی لولوبیان و گوتیان بودند. دولت ماننا در سده هفتم ق. م. جزئی از دولت بزرگ ماد به شمار می‌رفت. آخرین لشکرکشی آشور به ماد در سال ۷۰۲ پ. م. بود. خطر حمله از غرب به‌وسیله دولت زورمند آشور، نیاز به تشکیل یک دولت متمرکز را برای مادها که جدیدترین مهاجران به زاگرس بوده‌اند بوجود آورده‌است. مادها پایه‌های نخستین شاهنشاهی آریایی تباران (۷۲۸-۵۵۰ پ. م) را در ایران بنیاد نهادند. از سال ۶۷۳ پ. م جنگ‌های مادها و آشور دوباره پا می‌گیرد از این زمان به بعد در اسناد آشوری‌ها از **کشور ماد نیرومند** سخن می‌رود که نشان از به رسمیت شناخته شدن موجودیت دولت مادها از طرف آشوری‌ها است. در حدود سال ۶۵۰ پ. م. پادشاهی ماد دولت بزرگی در ردیف ماننا و اورارتو و عیلام بود. بعد از کیمیری‌ها، یکی دیگر از قبایل صحرانشین شمال قفقاز، سکاها، به منطقه شمال غرب ایران حمله کردند و در سر راه خود، دولت اورارتو در غرب دریاچه اورمیه و شرق آناتولی را نابود کرده بودند

آشوربانیپال پادشاه آشور

در زمانی که آشور بانیپال پادشاه نیرومند آشور بر سر قدرت بود جنگی بین مادها و آشوری‌ها در نگرخت ولی جنگ‌های آشور و عیلام تا نابودی دولت عیلام در سال ۶۴۰ پ. م ادامه یافت. آشور بانیپال در سال ۶۳۳ پ. م در گذشت. دولت ماد در این فاصله قدرت خود را مستحکم تر کرد.

هوخشتره سپس با دولت بابل متحد شد^[77] و با نیروی نظامی خود به سوی آشور حرکت کرد. در سال ۶۱۴ پیش از میلاد از کوه‌های زاگرس گذشت و ضمن تسخیر آبادی‌های آشوری سر راه، شهر آشور پایتخت باستانی دولت آشور را در محاصره گرفت. پس از سقوط شهر آشور، پادشاه بابل نبوپولاسار در شهر آشور به دیدار هووخشتره آمد و در آنجا پیمان دوستی ماد و بابل تجدید شد. در سال ۶۱۲ پیش از میلاد هووخشتره و نبوپولاسار توانستند با حمله به نینوا پایتخت آشوریان و فتح آن، به عمر امپراتوری آشور خاتمه دهند.^{[78][79]}

پس از فتوحات و پیروزی‌های فراوان، هووخشتره این بار متوجه غرب و لیدیه و شهرهای تجاری یونان شد. وی با آلیات شاه لیدیه جنگید و توانست سرزمین‌های بالای رود هالیس را تصرف کند. جنگ بین مادها و لیدی‌ها سرانجام در سال ۵۸۵ پیش از میلاد مسیح به دلیل خورشیدگرفتگی ناگهانی پایان یافت. هووخشتره هم در همان سال و یا سال بعد درگذشت.^[80] پس از هووخشتره پسرش ایشتوویگو به پادشاهی رسید و ۳۵ سال حکومت کرد.^[81]

۴.۴ ایشتوویگو



نقاشی رویای (خواب دیده شده پادشاه) ایشتوویگو و دخترش ماندانا(مادر کوروش) که تاکی از بدن او روییده، نقاشی متعلق به سدهٔ پانزدهم میلادی در فرانسه از نقاشی ناشناس است.

نوشته اصلی: ایشتوویگو

ایشتوویگو آخرین پادشاه ماد بود که از سال ۵۸۵ تا ۵۵۰ پیش از میلاد حکومت کرد.^[82] نام وی در منابع یونانی Astuágē و Astuigas یا Astuigās ذکر شده و در منابع بابلی، Iš-tu-me-gu نوشته شده‌است. امروزه تصور رایج بر این است که این نام‌ها برگرفته از واژه Ršti-vaiga در پارسی باستان به‌معنای «نیزه‌گردان» است. شکل رایج این نام در زبان

۶ تمدن مادها



تکوک طلایی بز کوهی هگمتانه از دوران هخامنشی که در هگمتانه کاوش شده و اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.

تمدن ماد توانست در بنای مدنیت سهم بزرگی داشته باشد. همین مادها سبب آن بودند که پارسیها، به جای لوح گلی، کاغذ پوستی و قلم برای نوشتن به کار بردند و به استعمال ستونهای فراوان در ساختمان توجه کردند. قانون اخلاقی پارسیها که در زمان صلح صمیمانه به کشاورزی بپردازند، و در جنگ متهور و بی‌پاک باشند، و نیز مذهب زردشتی ایشان و اعتقاد به اهورمزدا و اهریمن و سازمان پدرسالاری، یا تسلط پدر در خانواده، و تعدد زوجات و مقداری قوانین دیگر پارس که از شدت شباهت با قوانین ماد سبب آن شده‌است که در این آیه کتاب دانیال نبی: «تا موافق شریعت مادیان و پارسیانی که منسوخ نمی‌شود» ذکر آنها با هم بیاید همه ریشه مادی دارد.

معماری مادی که بعد از آشور تحت تأثیر معماری باشکوه اورارتو بود، با وارد کردن عوامل ایرانی، پایه‌گذار آثار درخشان دوران هخامنشی نظیر پارسه تخت جمشید و شوش شد. بسیاری دیگر از نشانه‌های تمدن‌های بین‌النهرین نیز از طریق مادها به هخامنشیان انتقال پیدا کرد، به طوری که تا قرن‌ها بعد، نظم دربار ایران و تقریباً بیشتر جنبه‌های باشکوه و فرهنگی جامعه ایران، از طرف نویسندگان یونانی به مادها نسبت داده می‌شود. سلطنت ایشوتویگو موقعیت ماد را از یک حکومت قدرتمند بر مبنای قدرت نظامی به مرکزی برای فرهنگ تغییر داد. آثار این نفوذ فرهنگی را در توجه بسیار شاهنشاهان هخامنشی به ماد، علاقه آنها به فرهنگ و آداب مادی، نفوذ دین مادی بین مردم ایران از طریق قبیله مغ، و با توجه به سنگ‌نبشته بیستون موقعیت ماد به عنوان مرکز فکری برای نیروهای مخالف دولت هخامنشی می‌توان دید.^[86]

۷ جامعه و اقتصاد مادها

در حال حاضر، هیچ اطلاعات مستقیمی از نهادهای اجتماعی و سازمان‌های اقتصادی جامعه ماد در دست نداریم. هرودوت اشاره می‌کند که مادها ۶ قبیله بودند که از میان آنها فقط آریزانتیان، به معنای «دارای اصل و نسب آریایی» دارای ریشه‌شناسی آشکار ایرانی است، اما در مورد دیگر قبایل تقریباً هیچ اطلاعاتی در دست نداریم. ظاهراً، برخی از عناصر سیستم مدیریتی و اداری مادها که از آشوریان آموخته بودند، تا پس از سقوط آشور نیز در استان‌های مادی ادامه داشت و مادها به تدریج این سیستم اداری را همچون نهادهای سنتی خودشان تصور می‌کردند.^[87] یانوش هارماتا کوشید تا منشأ سیستم اداری مادها را ردیابی کند و در این کار، مبنای استدلال‌های خود را عمدتاً بر روی داده‌های زبان‌شناسی قرار داد. وی به این نتیجه رسید که مادها دارای «سازمان اداری بسیار توسعه‌یافته‌ای بودند که پس از آنها نیز این سیستم توسط هخامنشیان مورد استفاده و اقتباس قرار گرفت»^[88] در هر صورت، جایگاه ساتراپ که هخامنشیان از آن استفاده می‌کردند، حتی پیش از ظهور دولت ماد نیز برای تعیین روسای مستقل وجود داشته است. آثار ارزشمند باستان‌شناختی به دست آمده از تپه نوشیجان، گودین تپه و دیگر

محوطه‌های باستانی و همچنین سنگ‌نگاره‌های آشوری، نشان می‌دهند که در نیمه نخست هزاره یکم پیش از میلاد، سکونت‌گاه‌های شهری در مناطق مختلفی از ماد وجود داشته‌اند که مراکز تولید صنایع دستی و اقتصاد دامداری و کشاورزی اندکی را تشکیل می‌دادند. با قضاوت بر اساس منابع آشوری، شغل اول و اصلی مردم مناطق ماد، پرورش اسب و تولید صنایع دستی بود. آشوریان از مناطق مادی، اسب، گاو، گوسفند، شتر باختری، سنگ لاجورد، برنز، طلا، نقره و دیگر فلزات و همچنین پارچه‌های پشمی و کتانی را به عنوان باج و خراج دریافت می‌کردند.^[89]

معیار ثروت در جامعه ماد گذشته از عواید توزیعی حاصل از ترانزیت تجارت سنگ لاجورد هنوز با تعداد پَسو-ویرا یعنی حیوانات اهلی، عمدتاً اسب و مردانی که با تابعیت مشترکشان در اختیار یک پدرسالار بودند، سنجیده می‌شد. هر چند که خاندان‌های اشرافی طبعاً اشیای ساخته از طلا، نقره و مس نیز در اختیار داشتند. اما مقدار آنها چنان نبود که رقم جداگانه‌ای را در خراج پرداختی به آشور را تشکیل دهد.

اما با تسخیر آشور و نینوا، مادها یک شبه به ثروت‌های هنگفت و باورنکردنی دست یافتند که طبعاً میان افراد معدودی همچون اشرافیت و رهبران نظامی جمع می‌شد. تردیدی نیست که ترکیب جامعه ماد بسیار شبیه به دوره ایران هخامنشی بود که از راه کتیبه بیستون، بایگانی‌های تخت جمشید و مؤلفان یونانی از آن آگاهی داریم.^[90]

۸ فرهنگ، هنر و معماری مادها

به نظر می‌رسد که هنر تصویری مادی تحت تأثیر بابلی‌ها و آشوری‌ها، مهرتراش‌ها (و کاتب) های ایلامی و در آخر شاید توسط فاز اولیه خاور نزدیک «سبک جانوری» (که منشاء آن ممکن است هرچیزی باشد) قرار گرفته است.^[91]

در قسمت پیشه‌ها؛ هنرنمایی بر مفرغ و آهن به درجه عالی رسیده بود (به ویژه مصنوعات هنری مفرغی)، سنگتراشی و صنعت سفالینه سازی و احتمالاً نساجی پیشرفت کرده بود. تزئینات گوناگونی که بر ظروف سفالینه آن روزگار دیده می‌شود چنین نشان می‌دهد که مادها بر منسوجات نیز نقوش زیبای مزبور را به کار می‌برده‌اند.^[92]

۹ دربار و درباریان

داده‌های در دسترس درباره دربار مادها بسیار اندک‌اند و همه آن‌ها نیز مورد اطمینان نیستند. بر اساس گزارش هرودوت درباره کودکی کوروش و بازی کردن او در نقش پادشاه، به نظر می‌رسد که دربار ماد شامل محافظان، پیام‌آوران، «چشمان شاه» (نوعی سازمان جاسوسی) و سازندگان بوده‌است.^[93] از این روی احتمالاً این بازی از روی دربار موجود الگوبرداری شده بود.^[94] هنگامی که این کودک به کوروش بزرگ (۳۰-۵۵۹ پ. م) تبدیل شد، احتمالاً همان شیوه‌ها و سازماندهی دربار ماد را ادامه داد، از جمله اشکال آداب تشریفاتی و رسوم دیپلماتیکی که مادها نیز به نوبه خود آن‌ها را از آشوری‌ها به ارث برده بودند؛ اگرچه هیچ اطلاعات صریح و روشنی در این زمینه وجود ندارد.^[95] به گفته کستیاس، یکی از منصب‌های دربار ماد، ساقی سلطنتی بود.^[96]

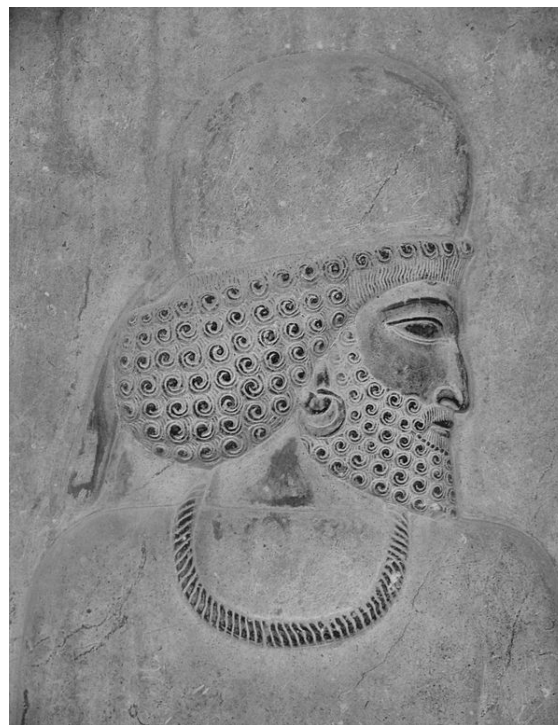
۱۰ دین مادها

نوشتار اصلی: آئین کهن مادها

دین ماد باستان یک دین ابتدائی مزدائی بود. در ماد یک مزداپرست را مَزْدَیَازنه (mazdayazna) می‌خواندند که از صورت اوستائیش مَزْدَیَاسنه (mazdayasna) آشکارا جدا می‌شود.^[97] آنان در دیرین‌ترین زمان



یک مادی بر دیوار کاخ خشایارشا در تخت جمشید که لباس مادی بر تن کرده است.



صاحب‌منصبی مادی در کاخ آپادانای تخت جمشید.

مجموعه‌ای از خدایان را می‌پرستیدند که می‌بایست با آریاییان میتانی همانندگی بسیاری داشته باشند.^[98] آئین زروانی دین مغان مادی پیش از فرارسیدن دین زرتشت بود.^[99]

مغان گروه روحانی دولت کهن ماد بودند. مغان پیش از دین زرتشتی دارای بررسی‌هایی دربارهٔ زمان به گونهٔ تکامل یافتهٔ آن بودند که ظاهراً درون مایهٔ دین ایشان را می‌ساخت. خدایان زمان در صورت ابتدائی خود در همه‌جا در دین‌های ابتدائی دیده می‌شوند و غالباً جای ویژه‌ای در میان خدایان ندارند اینها خدایان سرنوشت و خدایان ابتدائی مرگ هستند ولی خدای زمانی که در ماد پرستش می‌شد، بالاترین خداست. نام خدای زمان در زبان‌های ایرانی میانه زروان یا زوروان است. معنای اصلی این واژه زمان است. آئین زروانی صورتی از دین مزدائی است ولی مسلماً زرتشتی نیست.^[100]

در مورد اینکه از چه زمانی تبلیغ دین زرتشتی در ری، پایگاه مرکزی مغان آغاز به فعالیت کرد، قرائن و شواهد روشنی موجود نیست. گمان می‌رود که دیرترین هنگام برای این رویداد هنگام بنیادگذاری دولت هخامنشیان بوده‌باشد.^[101]

۱۱ پوشش مادها

اطلاعات مربوط به پوشش مردم در دورهٔ مادها، عمدتاً منحصر به لباس‌های مردان است که این اطلاعات شامل دو دسته از منابع‌اند: گزارش‌هایی که از نویسندگان کلاسیک ثبت شده است و آثار باستانی. این دسته که شامل آثار با ارزش باستانی‌اند را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:^[102]

۱. سنگ‌نگاره‌های داریوش یکم (۵۲۱-۴۸۶ پ. م) در بیستون.

۲. پیکره‌های نمایندگان ۳۰ ملتی که تحت امپراطوری هخامنشیان بودند (شکل ۴۶) و بر آرامگاه داریوش یکم در نقش رستم در نزدیکی تخت جمشید کنده شده‌اند و همین نقوش توسط جانشینان وی نیز تکرار شده است. هویت پیکره‌های نقش رستم با سنگ‌نوشتهٔ برجای‌مانده از آرامگاه داریوش یکم شناسایی شدند.

۳. معماری منحصر به فرد تخت جمشید (به‌ویژه پلکان شرقی آپادانا) که جنگجویان، بزرگان و نمایندگان ملل مختلف امپراطوری هخامنشیان را نشان می‌دهد؛ آثار خشتی-لغابی شوش و تخت جمشید که سربازها را در لباس‌های نظامی متفاوت نشان می‌دهد و پیکره‌های کنده‌شده بر تندیس مصری داریوش در شوش، که هم‌اینک در موزهٔ ایران باستان در تهران نگهداری می‌شود.

۴. نقوش متنوع، به‌ویژه هنرهای دستی: گلدان‌های یونانی، مسکوکات مصری معاصر، مهرهای «یونانی-ایرانی»، نقاشی‌ها، به‌ویژه آن دسته که در آرامگاه کارابورون یکم در نزدیکی مالی، استان پیشین لیسیه در جنوب غربی ترکیه کشف شده است. مجسمه‌ها، به‌ویژه آن دسته که از صیدا و لیسیه به دست آمده‌است، «گنجینهٔ جیحون» و مهم‌تر از همه، صحنه‌های نبرد و شکار که بر روی تابوت سنگی منسوب به اسکندر واقع در صیدا (کمی پس از ۳۲۰ پ. م) کنده شده است و موزاییک اسکندر واقع در کف معبد فون در پُمپئی (سدهٔ اول پ. م تقریباً هم‌دوره با تابوت سنگی اسکندر، برگرفته از یک نقاشی هلندی).

تاریخ فرهنگ ماد را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد؛ یکی مربوط به دوران متقدم ماد و قبل از استقرار سلطهٔ کیش مغان و دورهٔ دوم مربوط به زمان

۲. dz/ایرانی z <مادی است>مانند z اوستایی در مقابل d پارسی باستان: [107]

(ا) عبارت zana (یعنی نژاد، dana پارسی باستان، jána هندوایرانی jána ودایی) آشکارا مادی است، چرا که در ترکیب vispa-zana آمده است.

۳. ts/ایرانی s <مادی>مانند s اوستایی در برابر پارسی باستان: [108]

(ا) کلمه suxra (یعنی «درخشان، روشن، سرخ») نام شخصی است (پارسی باستان luxra، اوستایی suxra، هندوایرانی súkrá <údúkrá> ودایی) که به علت وجود جفت‌های معادل مادی است.

۴. r/ایرانی ūr <مادی>مانند ūr اوستایی در برابر پارسی باستان: [109]

(ا) čičura <چهر، نژاد čiča> (فارسی باستان čičura، اوستایی (در نام خاص čičura-taxma برابر čičantaxma فارسی باستان

(ب) xšaúra <شهریاری xšaça> (= «فارسی باستان، xšaúra اوستایی kšatrá، هندوایرانی kšatrá <ودایی>) از جمله در نام xšaúra-ita خاص یکی از مآها در DB6 مادی است که به علت وجود جفت‌های معادل و به ویژه به علت بافت مادی.

دیگر ویژگی بارز زبان مادی با این شیوه به خوبی دریافتنی نیست: hv ایرانی <f مادی همانند havarnah ایرانی (xvarñnah اوستایی) farnah مادی <فر> (که از سده‌های نهم و هشتم پیش از میلاد در نام اشخاص دیده شده است)، به تازگی کاملاً مادی بودن آن مردود دانسته شده یا اینکه باید تحت یکی از گویش‌های گوناگون مادی به شمار آید. مایه‌وفر، تنها تعدادی واژه در زمینه اصطلاحات حقوقی، سپاهی‌گری و نام‌های خاص از قلمرو پادشاهی هخامنشی را مادی دانسته است. در عین حال اشمیت بر برخی از آنها تردید دارد، برای مثال، xšāyaliya به معنی شاه، دارای /liy/ (به جای /ti/ ایرانی </šiy/ پارسی باستان) نیست، بلکه بیشتر thii هندوایرانی </liy/ پارسی باستان است و بنابراین لزوماً نباید مادی شمرده شود. [110]

اینکه تا چه اندازه، واژه‌ها و به ویژه نام‌جایی‌ها را (که داده‌های ریشه شناختی آنها را به درستی از لحاظ معنایی و منطقی پذیرفت) که در روایات فرعی یونانی، ایلامی، بابلی و غیره دوران هخامنشی ثبت شده‌اند، تنها بر پایه معیارهای زبانی از جمله sp، z مادی و مانند آن می‌توان به طور قطع مادی دانست، مطلبی است که باید در جزئیات آن تصمیم‌گیری شود. در این میان نامهای پادشاهان محلی ماد از زاگرس و جای نامهای مربوطه که در منابع آشوری از زمان شلمنصر سوم (میانه سده نهم پ. م) ذکر شده، استثنا است. [111]

لغاتی که در متون یونانی انعکاس یافته است: [112]

در کتیبه‌های پارسی باستان واژه‌هایی دیده می‌شوند که بر خلاف قواعد آوایی پارسی باستان است، که این واژه‌ها را باید مادی دانست: [113]

اینکه تا چه اندازه، واژه‌ها و نام‌هایی را (که داده‌های ریشه شناختی آنها را به درستی نمی‌توان از لحاظ معنایی و منطقی پذیرفت) که در روایات فرعی یونانی، ایلامی، بابلی. غیره دوران هخامنشی ثبت شده‌اند، تنها بر پایه معیارهای زبانی از جمله sp، z مادی و مانند آن را به طور قطع مادی دانست، قابل تصمیم‌گیری است، اما نام‌های پادشاهان محلی ماد از زاگرس و جای نام‌های مربوطه که در منابع آشوری از زمان شلمنصر سوم (میانه سده نهم پ. م) ذکر شده، استثنا است. [114]

مغان. مرز میان این دوره پایان قرن هفتم قبل از میلاد است. زندگی مردم نقاط دوردست غربی ظاهراً تحت تأثیر رسوم بابلیان قرار گرفته بود. مثلاً در مورد لباس چنین بوده است. در سمت شرقی جبال زاگرس لباسی که لولوبیان در هزاره سوم قبل از میلاد می‌پوشیدند معمول بوده است: روی نیم تنه (پیراهنی آستین کوتاه-زانو) پوستی افکنده، بر شانه چپ استوار می‌ساختند و گاهی پوست را از زیر کمر بند رد می‌کردند. مردم ثروتمند پوست یوزپلنگ و مستمندان پوست گوسفند به کار می‌بردند. لباس مانائیان و دیگر قبایل اتحادیه ماد و خود مادها همین گونه بوده است. این رسم - یعنی افکندن پوست گوسفند بر شانه تا به امروز نیز در میان شیخان کوهستانی آذربایجان و کردستان محفوظ مانده است. موها را با نواری سرخ می‌بستند و ریش را می‌زدند. در تصاویر آشوری کلاه بلند نمادی یا تاج - که به زبان یونانی تیار نامیده می‌شود و مخصوص ساکنان ماد بوده - دیده نمی‌شود ولی چون کلاه مزبور هم در هزاره سوم قبل از میلاد و هم در عصر هخامنشیان (قرن‌های ۴ و ۶ قبل از میلاد) متداول بوده بی شک در دوران مورد نظر نیز مرسوم بوده است. پاپوش مردم ماد موزه‌های نرم و نوک برگشته بود.

لباس ساکنان ماد شرقی؛ پیراهنی گشاد (ساراپیس) با آستین‌های بلند و شلواری گشاد و چین دار، که در واقع دامن درازی بود که میان دو پا جمع کرده بودند، بالاپوشی کوتاه از پارچه رنگارنگ و یا کارزده از پشم بود. این نوع لباس را باشلقی که بر سر می‌کشیدند تکمیل می‌کرد. [103]

ادیت پرادا تأکید می‌کند که «در گل، در هنر خاور نزدیک، تفاوت میان مردم غالباً بر اساس پوشاک آن‌ها مشخص می‌شد». مردان باستانی خاور نزدیک به پوشیدن لباس‌های گشاد و آزاد، متشکل از دامن‌های چین‌دار، تن‌پوش‌های رویی پیچیده‌شده به دور بدن و تنیک علاقه داشتند. احتمالاً در انتهای هزاره دوم پیش از میلاد، ایرانیان مهاجر که در اوراسیا، جایی که آب و هوای متغیری زیادی داشته و زندگی به گله‌داری و استفاده از اسب، به‌ویژه برای جنگ‌ها وابسته بود، لباسی با خود به درون ایران آورده باشند که در مسکن اولیه‌شان شکل گرفته بود. این لباس شامل کلاهی بلند، نیم‌تنه و شلوار چرمی تنگ و چسبان، بالاپوشی آستین‌بلند و چکمه می‌گردید. [104]

ایرانی‌ها پیراهن چین‌دار خاور نزدیک را پذیرفته و آن را اصلاح کردند و به آن سربند و کلاه شیاردار بلندی که احتمالاً از سربند پرّدار آشوری اقتباس شده بود، افزودند. از این رو گاهی اوقات پژوهشگران این سبک را «جامه پارسی» و لباس برگرفته از آسیای میانه را «جامه مادی» می‌نامند. این نام‌ها همیشه دقیق نیستند، با این حال هرودوت گواهی می‌دهد که «پارسیان» برحسب عادت، لباس «مادها» را می‌پوشیدند. [105]

۱۲ زبان مادی

نوشتار اصلی: زبان مادی

ویژگی زبان مادی بدین صورت است:

۱. ts/ایرانی sp <مادی>مانند sp اوستایی در مقابل s پارسی باستان: [106]

(ا) spaka مادی (یعنی سگ) .

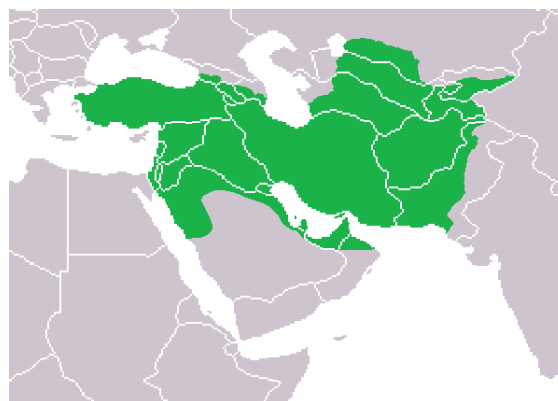
(ب) aspa مادی (یعنی اسب) .

(ج) vispa مادی (یعنی همه، پارسی باستان، visa اوستایی vispa، هندو ایرانی <visva وودایی> visva از جمله در مادی (وامواژه پارسی باستان) به صورت-vispa zana یعنی «دارای همه نژادها» در مقابل visa-dana پارسی باستان (و vispa-dahyu مادی (یعنی دروازه) همه ملت‌ها) در مقابل پارسی باستان visa-dahyu پارسی باستان. مورد آخر توسط هرودوت بیان شده است.

۱۳ مادها در امپراتوری هخامنشی

۱۵ پانویس

[1] فارسی باستان: Gaub(a)ruva-



وسعت امپراتوری کوروش بزرگ.

به نظر می‌رسد که کوروش پادشاهی ماد را منسوخ نکرد. در عوض، انتقال قدرت از خاندانی به خاندان دیگر بود. به هر حال، کوروش و جانشینانش، عنوان‌های رسمی شاهان ماد و سیستم مدیریتی آنها را پذیرفتند. در امپراتوری هخامنشی، ماد موقعیتش را به عنوان دومین استان بعد از پارس به دست آورد. اشرافزادگان مادی در همان جایگاهشان در حکومت کوروش و جانشینانش (به رغم شورش علیه داریوش یکم در ۵۲۱ پ. م. توسط گوهریاس^[1]) باقی ماندند. اولین حکمران بابل بعد از فتح توسط پارس‌ها، یک مادی بود. در گاهشماری نبوتی، او به عنوان «حکمران دیار گوتیم» گواهی داده شده است که بابل را بدست آورده است. در اول هزاره پ. م. گوتیم نام ماد، یا حداقل، قسمت غربی‌اش بود. همچنین ذکر شده که علاوه بر پارسی‌ها و عیلامی‌ها، مادی‌ها هم در گارد جاویدان ۱۰ هزار نفری هخامنشی خدمت می‌کردند. یهودیان، یونانیان و مصریان، و دیگر مردم‌های دنیای باستان، پارس‌ها را مادی خواندند و حکومت پارس‌ها را ادامه ماد شمردند. به استناد برخی مدارک بابلی که بعد از فتح میانرودان توسط پارس‌ها، نوشته شده است، خیلی از مادها در مقام‌های عالی‌رتبه استانی، افسران نظامی، سربازهای سلطنتی، در بابل اشتغال داشتند. به علاوه، به نظر می‌رسد که مادها در بابل و دیگر شهرهای بزرگ به عنوان افراد خصوصی زندگی می‌کردند. اسناد میخی همچنین تأیید می‌کنند که تاجران بابلی با داد و ستدهای مختلفی در اکباتان و دیگر شهرهای مبادرت می‌ورزیدند.^[115] کوروش پس از تسخیر سرزمین ماد، رسماً خود را فرمانروای ماد خواند و لقب شاهان ماد را به خود اختصاص داد: «شاه ماد (شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌ها)». اما در عمل، سرزمین ماد توسط یک فرماندار پارسی اداره می‌شد. گرچه هرودوت در بخش‌های پژوهشی کارهایش با کمال دقت بین آداب و رسوم مادها و پارس‌ها تفاوت قائل می‌شود، ولی در فصولی که به افسانه‌ها و داستان‌ها می‌پردازد، شیوه‌های این را با یکدیگر مخلوط می‌کند و درهم می‌آمیزد. تئوگنیس و سیمونید و سایر شاعران یونانی نیز پارسی‌ها را اهل ماد خواندند.^[116]

۱۴ جستارهای وابسته

- گاه‌شمار تاریخ ایران از غارنشینی تا ظهور هخامنشیان
- تاریخ ایران باستان
- مردم لک
- عیلام
- مردم کرد
- فهرست بزرگ‌ترین امپراتوری‌های جهان

۱۶ پانویس

- A) "Mede." Encyclopædia Britannica. 2008. [1] Encyclopædia Britannica Online. 16 January 2008 <<http://www.britannica.com/eb/article-9051719>>. B) Andrew Dalby, Dictionary of Languages: the definitive reference to more than 400 languages, Columbia University Press, 2004, pg 278. C) Gwendolyn Leick, Who's Who in the Ancient Near East, Routledge, Published 2001. pg 192 D) Ian Shaw, Robert Jameson, A Dictionary of Archaeology, Blackwell Publishing, 1999. E) Sabatino Moscati, Face of the Ancient Orient, Courier Dover Publications, Published 2001. pg 67 F) John Prevas, Xenophon's March: Into the Lair of the Persian Lion, Da Capo Press, 2002. pg 20. G) I.M. Diakonoff, "Media" In Cambridge History of Iran (ed. William Bayne Fisher, Ilya Gershevitch), Volume 2. Pg 140 "Archaeological evidence for the religion of the Iranian-speaking Medes of the.." H) Amélie Kuhrt, "The Persian Empire, Volume 1", Chp 2: Medes, Routledge, 2007. excerpt from pg 19: "The early history of the western Iranians (Medes and Persian) is a thorny problem..." I) John Curtis, British Museum, 2000, 2nd edition. pg 34: "They were an Indo-European people who, like the related Persians, spoke an Iranian language" J) "Encyclopedia of Indo-European Culture or EIEC, edited by J. P. Mallory and Douglas Q. Adams, published in 1997 by Fitzroy Dearborn. pg 30: "...and the Medes (Iranians of what is now north-west Iran)."

- Encyclopædia Britannica Encyclopedia Article: Media ancient region, Iran [2]
- هرودوت [VII/۶۲]؛ فرای، ریچارد: «میراث باستانی ایران»، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۴ و ۴۱۱ [3]
- استرابون [XV/۲۸]؛ پیرنیا، حسن: «تاریخ ایران باستان»، انتشارات افراسیاب، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰ [4]
- موسا خورنی [I/۲۹]؛ فرای، همان‌جا [5]
- محسنی، محمدرضا ۱۳۸۹: «پان ترکیسم، ایران و آذربایجان» انتشارات سمرقند، ص ۱۳۲ [6]
- دیاکونوف، ا. م. «تاریخ ماد»، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۶-۶۵ [7]
- لغت‌نامه دهخدا، مقدمه، ص ۱۰؛ فقیه، ص ۱۷۲ [8]
- محسنی، محمدرضا ۱۳۸۹: «پان ترکیسم، ایران و آذربایجان» انتشارات سمرقند، ص ۱۳۳ [9]
- [XV/۲]؛ پیرنیا، حسن: «تاریخ ایران باستان»، انتشارات افراسیاب، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰ [10]
- کتابخانه DPg؛ بریان، پی‌یر: «تاریخ امپراتوری هخامنشیان»، ترجمه مهدی سمسار، انتشارات زریاب، ۱۳۷۸، ص ۴۰۸ و ۴۰۶ [11]
- علیرضا شاهپور شهبازی. راهنمای مستند تخت جمشید. بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد. چاپ ۱۳۸۴. تهران: انتشارات سفیران و انتشارات فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۸۴. 18 و 19. شابک ۹۶۴-۹۱۹۶۰-۴-۶ [12]

- [110] اشمیت، راهنمای زبان‌های ایرانی، ۱۵۷.
- [111] اشمیت، راهنمای زبان‌های ایرانی، ۱۵۶.
- [112] رضایی باغبیدی، تاریخ زبان‌های ایرانی، ۵۵.
- [113] رضایی باغبیدی، تاریخ زبان‌های ایرانی، ۵۵.
- [114] اشمیت، راهنمای زبان‌های ایرانی، ۱۵۷.
- [115] Dandamayev and Medvedskaya, *MEDIA*.
- [116] داندامایف، تاریخ سیاسی هخامنشیان، 28.
- [75] <http://irantarikh.com/tarikh/iran04.pdf>
- [76] <http://irantarikh.com/tarikh/iran05.pdf>
- [77] علیف، پادشاهی ماد، ۳۸۸.
- [78] دیاکونوف، تاریخ ماد، ۲۸۰.
- [79] Diakonoff, *CYAXARES*.
- [80] علیف، پادشاهی ماد، ۳۹۵.
- [81] Schmitt, *ASTYAGES*.
- [82] Schmitt, *ASTYAGES*.
- [83] Schmitt, *ASTYAGES*.
- [84] بریان، امپراتوری هخامنشی، ۳۸-۳۹.
- [85] Dandamayev, *BABYLONIAN CHRONICLES*.
- [86] تاریخ ماد. ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف. ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر امیرکبیر.
- [87] Dandamayev and Medvedskaya, *MEDIA*.
- [88] Harmatta, *Rise of Persian Empire*, 13.
- [89] Dandamayev and Medvedskaya, *MEDIA*.
- [90] ا. م. دیاکونوف. تاریخ ایران کمبریج (تاریخ ایران دوره ماد) به سرپرستی ایلینا گرشویچ. ترجمه بهرام شالگونی. تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۷، ص 224.
- [91] Calmeyer, *Median Art and Architecture*, 565-569.
- [92] ا. م. دیاکونوف. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۸۸، صص 338-339.
- [93] Dandamayev, *Courts and Courtiers*.
- [94] Hirsch, *The Friendship of Barbarians*, 105.
- [95] Root, *King and Kingship in Achaemenid*, 264-66, 283-84.
- [96] Dandamayev, *Courts and Courtiers*.
- [97] نیبرگ، دین‌های ایران باستان، ۳۴۲.
- [98] نیبرگ، دین‌های ایران باستان، ۳۷۴.
- [99] نیبرگ، دین‌های ایران باستان، ۳۸۸.
- [100] نیبرگ، دین‌های ایران باستان، ۳۸۸.
- [101] نیبرگ، دین‌های ایران باستان، ۳۷۴.
- [102] Shahbazi, *Clothing In Median period*.
- [103] ا. م. دیاکونوف. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۸۸، صص 336-337.
- [104] Shahbazi, *Clothing In Median period*.
- [105] Shahbazi, *Clothing In Median period*.
- [106] اشمیت، راهنمای زبان‌های ایرانی، ۱۵۶.
- [107] اشمیت، راهنمای زبان‌های ایرانی، ۱۵۶.
- [108] اشمیت، راهنمای زبان‌های ایرانی، ۱۵۶.
- [109] اشمیت، راهنمای زبان‌های ایرانی، ۱۵۶.
- آموزگار، ژاله. «تاریخ واقعی و تاریخ روایی». بخارا (تهران)، ش. ۱۶. (بهمین ۱۳۷۹).
- اشمیت، رودیگر. «دیگر گویش‌های ایرانی باستان». در راهنمای زبان‌های ایرانی. ج. ۱. ترجمه آرمان بختیاری، عسکر بهرامی، حسن رضایی باغبیدی، نگین صالحی‌نیا. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۰. شابک ۹۶۴-۳۱۱-۴۰۳-۱.
- بریان، پی‌یر. امپراتوری هخامنشی. ج. ۱. ترجمه ناهید فروغان. تهران: نشر فرزاد روز، ۱۳۸۷. شابک ۹۶۴-۳۲۱-۰۷۸-۲.
- پیرنیا، حسن. ایران باستان. ج. نخست. چاپ چهارم. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۹.
- جعفری دهقی، محمود. بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۱. شابک ۹۶۴-۴۵۹-۷۸۰-۰.
- خالقی مطلق، جلال. «هوشنگ و دیاکو». ایران‌شناسی. هشتم، ش. ۳۱ (پاییز ۱۳۷۵).
- خدادادیان، اردشیر. تاریخ ایران باستان. ج. نخست. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۶. شابک ۹۶۴-۳۷۲-۰۹۷-۷.
- داندامایف، محمد. تاریخ سیاسی هخامنشیان. ترجمه فرید جواهر کلام. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۸۹. شابک ۹۶۴-۳۲۱-۳۱۰-۷.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶. شابک ۹۶۴-۴۴۵-۱۰۶-۵.
- رضایی باغبیدی، حسن. تاریخ زبان‌های ایرانی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۸. شابک ۹۶۴-۷۰۲۵-۹۷۸-۸۴-۳.
- زرین کوب، عبدالحسین. «افق‌های دور». در تاریخ مردم ایران. ج. ۱، ایران قبل از اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- علیف، اقرار. پادشاهی ماد. ترجمه کامبیز میربها. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸. شابک ۹۶۴-۹۷۸-۳۱۱-۷۹۹-۳.
- کامرون، جورج. ایران در سپیده‌دم تاریخ. ترجمه حسن انوشه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- مهاجری‌نژاد، عبدالرضا. تاریخ ماد (از دیدگاه باستانشناسی). تهران: سمیرا، ۱۳۸۴. شابک ۹۶۴-۹۵۸۷۶-۷-۵.

- Hirsch, Steven W.. *The Friendship of the Barbarians: Xenophon and the Persian Empire*. Tufts University, 1985. ISBN 0874513227.
- Harmatta, János. "The Rise of the Old Persian Empire: Cyrus the Great". *AAASH*, no. 19 (1971): 3-15.
- Kent, Roland G.. *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*. 1950. Retrieved 22 Aug 2014.
- Medvedskaya, Inna Nikolaevna. "PHRAORTES". In *Encyclopædia Iranica*. 20 Jul 2004. Retrieved 22 Oct 2012.
- Shahbazi, Alireza Shapur. "CLOTHING ii. In the Median and Achaemenid periods". In *Encyclopædia Iranica*. vol. V. 1992. 723-737. Retrieved 22 August 2014.
- Schmitt, Rüdiger. "DEIOCES". In *Encyclopædia Iranica*. 15 Dec 1994. Retrieved 28 Sep 2012.
- Schmitt, Rüdiger. "ASTYAGES". In *Encyclopædia Iranica*. 15 Dec 1987. Archived from the original on 22 August 2013. Retrieved 3 Jul 2013.
- Skjærvø, Prods Oktor. *An Introduction to Old Persian*. vol. 2. Harvard, 2005.
- Randa, Alexander. *Handbuch der Weltgeschichte*. vol. 1. Zürich: Otto Walker, 1954.
- Root, Margaret Cool. *The king and kingship in Achaemenid art: essays on the creation of an iconography of empire, Issue 19*. Diffusion, E.J. Brill, 1979. ISBN 9004039023.
- نیبرگ، هنریک ساموئل. دین‌های ایران باستان. ترجمه سیفال‌الدین نجم‌آبادی. چاپ سوم. تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، ۱۳۵۹.
- هوار، کلمان. «امپراتوری مادها». در ایران و تمدن ایرانی. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- هینتس، والتر. داریوش و ایرانیان. ترجمه پرویز رجایی. تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۷. شابک ۳-۲۰-۹۹۷۱-۹۶۴-۹۷۸.
- "Deioces". In *Encyclopædia Britannica Online*. 2012. Retrieved 22 Oct 2012.
- Boyce, Mary. "FRAVAŠI". In *Encyclopædia Iranica*. 15 Dec 2000. Archived from the original on 02 Jan 2013. Retrieved 18 Dec 2012.
- Briant, Pierre. "CLASS SYSTEM ii. In the Median and Achaemenid Periods". In *Encyclopædia Iranica*. vol. V. 651-652. Retrieved 11 Dec 2013.
- Brown, Stuart C. "ECBATANA". In *Encyclopædia Iranica*. 15 Dec 1997. Retrieved 28 Sep 2012.
- Calmeyer, Peter. "Median Art and Architecture". In *Encyclopædia Iranica*. vol. 2. 1987. 565-569. Retrieved 13 Jan 2014.
- Calmeyer, Peter. "CROWN i. In the Median and Achaemenid periods". In *Encyclopædia Iranica*. vol. VI. 407-408. Retrieved 11 Dec 2014.
- Dandamayev, Muhammad A. "BABYLONIAN CHRONICLES". In *Encyclopædia Iranica*. 2002. Retrieved 11 Dec 2013.
- Dandamayev, Muhammad A. "COURTS AND COURTIER i. In the Median and Achaemenid periods". In *Encyclopædia Iranica*. December 15, 1993. Retrieved 11 December 2013.
- Dandamayev, Muhammad A. "BIBLE i. As a Source for Median and Achaemenid History". In *Encyclopædia Iranica*. 1989. Retrieved 11 December 2013.
- Dandamayev, Muhammad A and Inna Nikolaevna Medvedskaya. "MEDIA". In *Encyclopædia Iranica*. 15 Aug 2006. Retrieved 2 Oct 2012.
- Dandamayev, Muhammad A. "COURTS AND COURTIER i. In the Median and Achaemenid periods". In *Encyclopædia Iranica*. vol. VI. 356-359. Retrieved 22 Aug 2014.
- Davis, Andrew Jackson. "DEIOCES". In *The Project Gutenberg EBook of Encyclopaedia Britannica*. 15 Feb 2012. Retrieved 22 Oct 2012.
- Diakonoff, Igor Mikhailovich. "CYAXARES". In *Encyclopædia Iranica*. 15 Dec 1993. Archived from the original on 22 Aug 2013. Retrieved 16 Jun 2013.

۱۸ پیوند به بیرون

Rezakhani, Khodadad. «Medes, the First (Western) Iranian Kingdom» (en). The Circle of Ancient Iranian Studies (CAIS).

- Media (1) in Livius.org ;
- Media (2) in Livius.org.

۱۹ مجوزها و مشارکت‌کنندگان تصویر، و متن منابع

۱۹.۱ متن

- **Invalid username**: نام کاربری نامعتبر، بهداد، مانی، روزبه‌مشارکت‌کنندگان: <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%A7%D8%AF?oldid=16497734> منبع: **ماد**: 309~fawiki, Shervinafshar, Yoosef Pooranvary, YurikBot, Ariobarzan, Leosan, Shirkhan, Diyako~fawiki, Kuhzad, Mohammad Zarei, Ojanfar, Masudmo. Zeerak, Khazaei, Aghapeyman, Raamin, Behaafarid, Moheesem, Zandweb, Artacoana, Sa.vakilian, Ellessar, Kurdman, R0stam, Ladsgruop, Thijs!bot, JAnDbot, Arashsoft, مرتضا, Taranet, Wayiran, Kamix, نهلشد, TXiKiBoT, VolkovBot, Sanchooli, OKBot, Taarnoosh, Amirrad, SieBot, Navid rabiee, Bersam, Faridh86, سیمرغ, Irsami2007, Carl, Shfarshid, BodhisattvaBot, Elmju, Tanhabot, MelancholieBot, همان, Zorrobot, SilvonenBot, Amirobot, Muro Bot, Iroony, Ayda, Luckas-bot, Darafsh, Szajci, Separeshe, Pbahramian, PHoBiA, Fatemi, Paraw, ArthurBot, Saeidpourbabak, Darkicebot, Reza1615, Xqbot, پویا, 1615, Wallpaperdesktop, Mahdiazizi1378, Bestiasonica, Orijentolog, Coffeetalkh, Gire 3pich2005, Adlerbot, Ghazne, TobeBot, Cekli829, JDiamond, Hamid Hassani, Arash.pt, Tetrataxis, FoxBot, Ebiwikifa, Persia2099, Taha222 (usurped), Roozita, Pouyana, Grim reaper, Sorena.frouzi, اردشیر ورجاوند, بهرام, 1989, Shahriar, افسیلون, Amolbot, Ebrambot, Ebrahimi, Hosseiniran, Hosseiniran, H.b.sh, Bahman.memar, Ariou mousavi, Farvartish, Eykhodayemehraboon, AliBot, Hashtadohasht, Bookman~fawiki, In fact, Rezaha, Rezabot, Pashangparsii, Alborzagros, World Cup 2010, Samangiran, AliBot, Merkhass, Salar80s, HosseinFatemeinya, Alishahs75ali, Espiral, Refiq, Zhilbert, Aliaskari68, Mediakh55, Cleepots, Coolboy xboy, Topoloo1000, KhabarNegar, MahdiBot, Sorkhpooost1328, JYBot, Dexbot, Meysamvillaz, YasBot, Mirasm, Javanroodboy, Addbot, Saran133, Eligold, Oyakmohsen, Mokhtar-saghafi, Mohammad-safaei, Fatemibot, Tajbaksh, Gnat, Piroz12, Taddah, Fatranslator, Mehdi186, Mohammadjavadalmasi و ناشناس: 84

۱۹.۲ تصاویر

- **Abdoli.jpg**: **Public domain** مجوز: <https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/d2/Abdoli.jpg> مشارکت‌کنندگان: Transferred from fa.wikipedia to Commons. فارسی ویکی‌پدیا در Shinse110 اصلی: هنرمند
- **Ambox_wikify.svg**: **Public domain** مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/e/e1/Ambox_wikify.svg مشارکت‌کنندگان: penubag اصلی: هنرمند شخصی اثر مشارکت‌کنندگان
- **Bronze_flag, Shadad_Kerman, Iran.JPG**: **Public domain** مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/9/94/Bronze_flag%2C_Shadad_Kerman%2C_Iran.JPG مشارکت‌کنندگان: History of Art in Iran from website: www.chap.sch.ir نامعلوم اصلی: هنرمند `src="https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/ff/Wikidata-logo.svg/20px-Wikidata-logo.svg.png" width="20" height="11" srcset="https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/ff/Wikidata-logo.svg/30px-Wikidata-logo.svg.png 1.5x, https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/ff/Wikidata-logo.svg/40px-Wikidata-logo.svg.png 2x" data-file-width="1050" data-file-height="590" />`
- **Commons-logo.svg**: **Public domain** مجوز: <https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/4a/Commons-logo.svg> مشارکت‌کنندگان: This version created by Pumbaa, using a proper partial circle and SVG geometry features. (Former versions used to be slightly warped.) هنرمند اصلی: SVG version was created by User:Grunt and cleaned up by 3247, based on the earlier PNG version, created by Reidab.
- **Edit-clear.svg**: **Public domain** مجوز: <https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/f2/Edit-clear.svg> مشارکت‌کنندگان: The Tango! Desktop Project اصلی: The people from the Tango! project هنرمند
- **Excavations_in_Ecbatana.jpg**: **CC BY-SA 2.0** مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/ff/Excavations_in_Ecbatana.jpg مشارکت‌کنندگان: Flickr: IMG-0710 هنرمند اصلی: ninara
- **Ezra_Codex_Amiantinus.jpg**: **Public domain** مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/0/00/Ezra_Codex_Amiantinus.jpg مشارکت‌کنندگان: File:Cassiodorus at the Vivarium in Codex Amiantinus.jpg uploaded by User:Angrense on January 28, 2007, giving en:Codex Amiatinus as the source هنرمند اصلی: monks
- **Flag_of_Iran.svg**: **Public domain** مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/ca/Flag_of_Iran.svg مشارکت‌کنندگان: URL <http://www.isiri.org/portal/files/std/1.htm> and an English translation / interpretation at URL <http://flagspot.net/flags/ir.html> هنرمند اصلی: Various
- **Le_songe_d'Astyage.jpg**: **Public domain** مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/5/5d/Le_songe_d%27Astyage.jpg مشارکت‌کنندگان: culture.gouv.fr هنرمند اصلی: نامعلوم اصلی: هنرمند `src="https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/ff/Wikidata-logo.svg/20px-Wikidata-logo.svg.png" width="20" height="11" srcset="https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/ff/Wikidata-logo.svg/30px-Wikidata-logo.svg.png 1.5x, https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/ff/Wikidata-logo.svg/40px-Wikidata-logo.svg.png 2x" data-file-width="1050" data-file-height="590" />`
- **Mad-5223.jpg**: **CC BY-SA 3.0** مجوز: <https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/d7/Mad-5223.jpg> مشارکت‌کنندگان: Alborzagros اصلی: هنرمند شخصی
- **Map_of_Assyria_FA.png**: **CC BY-SA 4.0** مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/1/15/Map_of_Assyria_FA.png مشارکت‌کنندگان: Yoosef Pooranvary اصلی: هنرمند شخصی اثر مشارکت‌کنندگان
- **Meder-Persepolis.JPG**: **CC-BY-SA-3.0** مجوز: <https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/3b/Meder-Persepolis.JPG> مشارکت‌کنندگان: aus Palast des Xerxes, Persepolis. Original. Badisches Landesmuseum Karlsruhe. Eigene Aufnahme vom 12.06.2004. هنرمند اصلی: Aufnahme: Benutzer:Thomas Ihle
- **Media-proper.svg**: **CC BY-SA 3.0** مجوز: <https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/1/17/Media-proper.svg> مشارکت‌کنندگان: Media-proper.png: `<a href="//commons.wikimedia.org/wiki/File:Media-proper.png" class="image"></a>` هنرمند اصلی: Media-proper.png: self, based on WP locator maps Category:Locator maps

- مجوز: <https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/47/Median-empire-600BCE.png> منبع: **Median-empire-600BCE.png** پرونده: CC-BY-SA-3.0 own work - based on WP locator maps Category:Locator maps; boundaries as per Image:Median Empire.jpg مشارکت کنندگان: هنرمند Self, based on WP locator maps Category:Locator maps
- مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/c6/Median_Empire.jpg منبع: **Median_Empire.jpg** پرونده: Public domain مشارکت کنندگان: *This image is a copy or a derivative work of **oriental_empire.jpg**, from the map collection of the Perry-Castañeda Library (PCL) of the University of Texas at Austin.* هنرمند: شفر د روبرت ویلیام اصلی: هنرمند
- مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/b/bf/Qizqapan_Cave.jpg منبع: **Qizqapan_Cave.jpg** پرونده: CC BY-SA 3.0 مشارکت کنندگان: *Ara Qadir* اصلی: هنرمند شخصی اثر مشارکت کنندگان:
- مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/44/Rython_boz.jpg منبع: **Rython_boz.jpg** پرونده: CC-BY-SA-3.0 مشارکت کنندگان: *?* اصلی: هنرمند ایران ملی موزه
- مجوز: <https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/f2/Senmurv.svg> منبع: **Senmurv.svg** پرونده: Public domain مشارکت کنندگان: *Shaahin* ([User talk:Shaahin](https://commons.wikimedia.org/wiki/User_talk:Shaahin)) 17:49, 10 November 2008 (UTC) اصلی: هنرمند
- مجوز: [https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/f8/Standard_of_Cyrus_the_Great_\(Achaemenid_Empire\).svg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/f8/Standard_of_Cyrus_the_Great_(Achaemenid_Empire).svg) منبع: **Standard_of_Cyrus_the_Great_(Achaemenid_Empire).svg** پرونده: CC BY-SA 3.0 مشارکت کنندگان: *Sodacan* اصلی: هنرمند [1] Based on: شخصی. اثر مشارکت کنندگان:
- مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/5/51/The_Conquests_of_Cyrus_the_Great.png منبع: **The_Conquests_of_Cyrus_the_Great.png** پرونده: Public domain مشارکت کنندگان: *Aeaige* اصلی: هنرمند شخصی اثر مشارکت کنندگان:
- مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/c5/Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_15.JPG منبع: **Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_15.JPG** پرونده: Public domain مشارکت کنندگان: *Zirguezi* اصلی: هنرمند شخصی اثر مشارکت کنندگان:
- مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/0/09/Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_17.JPG منبع: **Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_17.JPG** پرونده: Public domain مشارکت کنندگان: *Zirguezi* اصلی: هنرمند شخصی اثر مشارکت کنندگان:
- مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/1/15/Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_18.JPG منبع: **Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_18.JPG** پرونده: Public domain مشارکت کنندگان: *Zirguezi* اصلی: هنرمند شخصی اثر مشارکت کنندگان:
- مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/7/75/Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_21.JPG منبع: **Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_21.JPG** پرونده: Public domain مشارکت کنندگان: *Zirguezi* اصلی: هنرمند شخصی اثر مشارکت کنندگان:
- مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/c7/Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_23.JPG منبع: **Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_23.JPG** پرونده: Public domain مشارکت کنندگان: *Zirguezi* اصلی: هنرمند شخصی اثر مشارکت کنندگان:
- مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/fa/Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_27.JPG منبع: **Zoroastrianism_Tomb_Sulaymaniyah_province_27.JPG** پرونده: Public domain مشارکت کنندگان: *Zirguezi* اصلی: هنرمند شخصی اثر مشارکت کنندگان:

۱۹.۳ مجوز محتوای

- Creative Commons Attribution-Share Alike 3.0